

ادامه از صفحه اول

رئسی تنها می‌ماند؟

دولتی میان عشق و نفرت با مردمی که احساسات، ملک ارزبایی‌شان است. به‌این‌ترتیب، به نظر می‌رسد حامیان دولت سیزدهم نگرش «ارزشی» به دولت دارند. اگرچه نگرش ارزشی غیرشخصی است و بر ارزش‌های سیاسی، اخلاقی و دینی استوار است؛ اما این نگرش در شرایطی که اقتضا می‌کند دولت براساس مصلحت تصمیم بگیرد، دچار تزلزل خواهد شد. اگر این برداشت از حامیان دولت رئیسی درست باشد، دولت سیزدهم به دلیل مشکلات عدیده آحاد مردم به‌ناچار باید به سوی مردم برود و نگرش ادرکی آنان را تقویت کند و مهم‌تر از آن اعتمادشان را به دست آورد؛ حتی اگر این رویکرد به بهای از دست‌رفتن مردمی باشد که نگرشی ارزشی به دولت سیزدهم دارند.

✦ در نوشتن این یادداشت از مقاله «فرهنگ سیاسی؛ یک بررسی مفهومی و نظری» نوشته حسین رفیع، مجید عباس‌زاده مرزبالی و میثم قهرمان (فصلنامه سیاست، سال پنجم بهار ۱۳۹۷، شماره ۱۷) استفاده شده است.

۲۰ توصیه به وزیر ارشاد

۱۳- یعنی: عبور از قسری‌گری (ظاهربینی و نزدیک‌بینی) به عمق‌نگری (معرفت‌افزایی).

باید به‌جای حجم تولید و مصرف، به اثربخشی درحوزه فرهنگی بیندیشیم.

۱۴- یعنی: پذیرش اصل کثرت در عین وحدت (تلاش حداکثری برای انسجام و وفاق فرهنگی میان اقوام، ادیان، اقلیت‌ها و نحله‌های فکری در میان آحاد ملت و توجه هوشمندانه برای حفظ و ارتقای انسجام و وفاق ملی).

۱۵- یعنی: گسترش بسترهای قربایت، اشتراکات و هم‌افزایی میان ایران فرهنگی با فرهنگ ایرانی (قربایت با ادغام دو مفهوم با کارکردهای متفاوت هستند).

۱۶- یعنی: استفاده حداکثری از ظرفیت

دیپلماسی فرهنگی با هدف ارائه تصویر ایران زیبا به افکار عمومی جهانیان (دیپلماسی سیاسی ناظر بر روابط دولت‌ها و دیپلماسی فرهنگی ناظر بر روابط ملت‌هاست).

۱۷- یعنی: ارتقای سطح هویت، غرور و نشاط ملی به‌خصوص در نسل جوان (نسل جوان باید به ایران، اسلام، انقلاب، امام، رهبری، تاریخ، ارسطوره‌ها، میراث، شهدا و مفاخر خود احساس تعلق، غرور و وفاداری داشته باشد).

۱۸- یعنی: عقلانی و اخلاقی‌کردن حوزه فرهنگ و پرهیز از خرافه‌گرایی، تحجرگرایی و پیرایه‌زدایی ناصواب که به نام فرهنگ و دین در جامعه رواج داده می‌شود.

۱۹- یعنی: درک روشن از تغییرات و تحولات پرشتاب فرهنگی و مدیریت این فضا در شرایط برجالش کنونی.

۲۰- کلام آخر اینکه فرهنگ به مثابه چشمه‌ای جوشان است که می‌تواند همه انسان‌های تشنه حقیقت و معرفت را سیراب کند؛ مشروط بر اینکه آب زلال چشمه را در مسیر کل‌آلود نکشیم.

صعود طالبان و سقوط آزاد یک ملت

ده‌ها کانال تلویزیونی و انتشار مطبوعات و کتب نیز با تنوع گسترده، بر تحرک و رقابت بیشتر این نسل جدید برای جست‌وجوی زندگی بهتر تأثیر بسزایی داشتند. در کنار محدودیت‌های

سیاسی و اجتماعی، برخی بلندپروازی‌های رؤیایی و توقعات دست‌نیافتنی نیز تبلیغ می‌شد که به دلیل عدم امکان دستیابی به آنها، عملاً باعث تناقضات و در نهایت سرخوردگی‌های زیادی در میان آنان شد. بااین‌حال، تحولات سریع و ناباورانه اخیر و سلطه طالبان که نتیجه نقشه از

قبلی طراحی شده بین آمریکا و طالبان بود، آخرین تیری بود که تمام امیدهای آنان را نابود کرد. این رویدادها نسل جوان را با تعارض و شوک باورنکردنی دیگری روبه‌رو کرد و بسیاری از رؤیای او آرزوهایشان را یک شبه به کابوس بدل کرده و به تاریخ سپرد. بدیهی است که در این شرایط روحی و روانی، در اقلیم امارت اسلامی افغانستان و سلطه طالبان، فرار از وطنی که فروخته شده و پناه‌بردن به هر نقطه‌ای دیگر در عالم، برای آنها نه یک پیروزی بلکه تنها راه حیات تلقی می‌شود. بدیهی است که در هجوم به آخرین و تنها گذرگاه حیات خود که فرودگاه کابل تلقی می‌شود، سر

از بی‌شناخته و جان خود را در زمین و آسمان از دست می‌دهند؛ صحنه‌ای که تاکنون جهان به خود ندیده بود. در تحلیل اشراات این جابه‌جایی و فرار گسترده طبقه خاص در جمعیت بر آینده افغانستان و رابطه مردمی که می‌مانند با طالبان، چندین نکته شایان تأمل وجود دارد. برخی فرایند این موج عظیم را فرار مغزها تلقی می‌کنند، اما فرادونه و نتیجه این موج مهاجرت را می‌توان از سه بُعد مورد بررسی قرار داد:
۱- تغییر در بافت ساخت قومی، مذهبی و زبانی جامعه افغانستان،
۲- تغییر منفی و ضعف در بضاعت روشنفکری و پتانسیل فرهنگی و
۳- رکود در توان نهادهای اجتماعی-سیاسی و پتانسیل واکنش جامعه نسبت به سیستم حکمرانی آینده در افغانستان.

ادامه در صفحه ۴

پیش‌بینی می‌کنم حضور رضایی در دولت زیاد نباشد

احمد شیرزاد در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

سیاست

دولت رئیسی شبیه به دولت اول احمدی‌نژاد نشود



شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

شیرزاد

دولت آقای احمدی‌نژاد رفت و من هشدار می‌دهم که دولت آقای رئیسی شبیه به دولت‌های نهم و دهم نشود. مسئله دیگر این است که دولتی‌های کنونی به تجربه انباشته‌پیشین با بدین هستند یا بی‌اعتنا و تصور می‌کنند هرچه خود فکر کنند، درست است و همه ایده‌هایی که دارند، به فکر مدیران قبلی نرسیده است و چنین نگاهی همه دارد که مدیران قبلی‌ی کلا در تفریح بوده‌اند و هیچ کاری نمی‌کردند. درصورتی‌که چنین نیست و هر وزارتخانه‌ای جالش‌های بسیاری دارد که یک وزیر باید خوب آنها را بشناسد و با استفاده از تجربیات گذشته، برنامه‌ای واقعی برای رفع آنها در نظر داشته باشد.

✦ **باتوجه به ترکیب مجلس و دولت و البته اعضای کابینه دولت می‌توانیم بگوییم که با یک حاکمیت یکدست مواجهیم.**
اصولگرایان چنین حالتی را بد هم نمی‌دانند و می‌گویند که یکدست‌بودن قوا می‌تواند باعث تسریع کارها و هماهنگی بیشتر شود. در مقابل نگاه شما به وجود دارد که چنین یکدست‌شدن می‌تواند زمینه پنهان‌کاری‌های بیشتر و پاسخ‌گونبودن مسئولان را فراهم کند. شما به این موضوع چه نگاهی دارید؟

من تصور می‌کنم در کشور ما موضوعی پنهان نمی‌ماند و هرچه سعی بر پنهان‌کاری هم شود، درنهایت مردم متوجه همه‌چیز می‌شوند اما من از زاویه دیگری به این موضوع یعنی یکدست‌شدن حاکمیت نگاه می‌کنم؛ من تصور می‌کنم یکدست‌شدن برای اصولگرایان سرابی بیش نیست. وجه مشترک تمام اصولگرایانی که دور آقای رئیسی جمع شده‌اند، مخالفت با اصلاح‌طلبان و دولت آقای روحانی بود، وگرنه من بعید می‌دانم آنها بتوانند با هم کنار بیایند. آنها نیاز به یک لیدر قدرتمند دارند که در تمام جزئیات بتواند همه نیروها را هماهنگ کند که چنین لیدری وجود ندارد. از سوی دیگر وقتی به فردرفد وزرای دولت سیزدهم نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که هرکدام از آنها خود را امپراتور آن وزارتخانه می‌دانند و به احتمال زیاد نمی‌توانند با یکدیگر به مفاهمه برسند. اکنون باید پرسید که چرا آقای محسن رضایی به دولت آمده است؟ چه مبنایی دارد؟ مگر آقای رئیسی نگفت که آقای مخبر مسئول هماهنگی تیم اقتصادی است، پس چرا چند روز بعد از این سخن آقای رضایی به سمت معاون

سایه دولت در سایه بر سر مجمع



پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

پورنazerی

سایه دولت در سایه بر سر مجمع

سیاست

سیاست

روزنه

وزیر کشور جدید در رابطه با صدور حکم شهردار تهران تصمیم می‌گیرد

ماجرای حکم زاکانی
تن دادن به ضابطه یا رابطه؟!

مثال وزیر ارشاد کنونی عزمی برای بازکردن دست نویسندگان و هنرمندان داشته باشد و مایه‌ای برای این موضوع از خود بگذارد. فکر می‌کنم وضعیت برای روزنامه‌نگاران، نویسندگان، هنرمندان و فعالان سیاسی و مدنی به همین شکلی که هست ادامه یابد و شاید با کمی محدودیت بیشتر اما مشکل عمده و مهم در حوزه فضای مجازی است. منتقدان دولت آقای روحانی که بخش عمده انتقادهایشان به رویکرد دولت نسبت به فضای مجازی بود، حالا آمده‌اند تا هرچه را در ذهن داشتند اجرائی کنند؛ چه در مجلس یا ابزار قانون‌گذاری و چه در دولت با ابزار اجرا. به احتمال زیاد سعی می‌شود دسترسی مردم به کانال‌های ارتباطی موجود در فضای مجازی محدود شود که اگر چنین شود، چالش اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به وجود می‌آید و امیدواریم چنین نشود؛ زیرا محدودسازی فضای مجازی نوعی استکان در برابر خواسته مردم است.

✦ **باتوجه به فضای سیاسی موجود اصلاح‌طلبان چه وضعیتی خواهند داشت؟**

اکنون در بدنه دستگاه‌های اجرائی تعداد نسبتاً قابل‌توجهی از مدیران اصلاح‌طلب یا تکنوکرات که گرایش به اصلاحات دارند، دیده می‌شوند. احتمالاً در کوتاه‌مدت تمام این مدیران کنار گذاشته نشوند و مدیران اصلاح‌طلب هم باید صبوری به خرج دهند و به استقبال استعفا و طردشدن بزنند. این امید هم وجود دارد که آقای رئیسی مدیرانی را که هیچ ایرادی ندارند، عوض نکند. متأسفانه اکنون در جبهه اصولگرایی به‌جای آنکه برای صندلی‌ها افراد مناسبی پیدا شود، برای افراد به دنبال صندلی می‌گردند. مثلاً آقای زاکانی چرا باید شهردار شود؟ او هیچ سختی‌تی با مسئولیت شهرداری تهران ندارد اما چون او زاکانی است و باید یک صندلی پرتطراق برایش پیدا کنند، با همه موانع قانونی او را شهرداری می‌کنند. اگر نیروهای اصلاح‌طلب و معتدل در مدیریت‌های میانی باقی بمانند و هم خودشان کنار نزنند و هم آقای رئیسی آنها را کنار نکذارد، حتماً روند تصمیم‌گیری‌ها و اجرای امور بهتر خواهد بود. نکته دوم آنکه خود اصلاح‌طلبان هم باید انسجام درونی‌شان را حفظ کنند و مطلوبی برسد. متأسفانه دیدیم که اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری نتوانستند به وحدت تشکیلاتی برسند و جمع‌بندی خوبی به دست نیامد. علاوه بر اینها اصلاح‌طلبان در چهارسال پیش‌رو باید منتقدان منصف دولت باشند و بدون هیچ تعارفی نقد جدی و درعین‌حال مؤثر و دلسوزانه نسبت به دولت داشته باشند.

✦ **دولت در مواجهه با موضوع برجام چه خواهد کرد؟ آیا از پس رفع تحریم‌ها برمی‌آید؟**

اگر قدری به حافظه تاریخی‌مان رجوع کنیم، درمی‌یابیم که آقای رئیسی هیچ‌وقت در مخالفت با موافقت با برجام موضع صریحی نگرفته است. آقای رئیسی نمی‌خواهد با صراحت و جسارت در این موضوع تصمیم‌گیر باشد و تمایل دارد که نهادهای دیگر حاکمیت مانند شورای عالی امنیت ملی تصمیم‌ساز نهایی باشند و او و دستگاه دیپلماسی دولت صرفاً مجری تصمیم باشند. این حالت را با رویکرد آقای روحانی مقایسه کنید و ببینید که آقای روحانی از ابتدای کارش در سال ۹۲ با خیز مهمی برای به‌نتیجه‌رساندن مذاکرات پا به میدان گذاشت که البته با پدیده‌ای نادر به نام ترامپ هم مواجه شد. آقای رئیسی نمی‌خواهد چنین کند؛ نه نفیا و نه ایجابا اما آقای رئیسی و دولتش هم دیر یا زود با تمام وجود درک خواهند کرد که هیچ مشکلی به‌صورت اساسی حل نمی‌شود، مگر آنکه تحریم‌ها رفع شوند.

✦ **در حوزه آزادی‌های اجتماعی و سیاسی چهار سال پیش‌رو چطور خواهد شد؟**

همین وضعیتی که وجود دارد، با کمی بسته‌شدن فضا ادامه می‌یابد. من به آقای ازه‌ای و قوه قضائیه در بازشدن فضای سیاسی امید بیشتری دارم نسبت به دولت و مجلس و تصور نمی‌کنم برای حال مردم ایران خوب خواهد بود؟
من خیلی خوش بین نیستم؛ زیرا شیوه مدیریت کنونی بیشتر تبلیغاتی است تا عینی، واقعی و اجرایی و همه نهادها از قبیل صداوسیما، شهرداری و… هم در گسترش این رویکرد مدیریت تبلیغاتی کم نمی‌گذارند اما این به معنای آن نیست که هیچ شکوفایی‌ای در کشور نباشد. حتماً مردم پیش می‌روند، ظرفیت‌های خوبی فعال خواهد شد، بخش خصوصی کارش را با قدرت ادامه می‌دهد و در مجموع مردم سعی خواهند کرد کمی آزاد شوند؛ اتفاقی که نهادهای مختلف وجود دارد، خود جایش را پر کنند.

روزنه

وزیر کشور جدید در رابطه با صدور حکم شهردار تهران تصمیم می‌گیرد

ماجرای حکم زاکانی
تن دادن به ضابطه یا رابطه؟!

● **شرق:** وزیر کشور گفته است «حکم شهردار جدید بر اساس چارچوب قانونی صادر می‌شود». این جمله در رسانه‌ها به معنای تأیید صدور حکم زاکانی تعبیر شده است؛ امری که اگر صحت داشته باشد، اولین قانون‌گریزی و تصمیم جنحی و خلاف قانون در دولت رئیسی خواهد بود.

علیرضا زاکانی در حالی خود را شهردار تهران می‌داند که انتخابش نادره‌گفتن قانون انتخاب شهرداران مصوب هیئت وزیران سال ۹۷ است و این قانون‌گریزی با شعارهای او در زمان انتخابات ریاست‌جمهوری کاملاً متفاوت است و سبب شده چهره متفاوت و سهم‌خواهی او مرکز انتقاد قرار گیرد. او در یکی از مناظره‌های انتخاباتی گفت: مردم عزیز، جرم بنده به‌عنوان یک روزمنده این است که در مقابل مفسدان ایستادم. تنها جرم انتسابی من مبارزه با فساد، فقر و تبعیض است.

زاکانی درسارها کارهایی که در دولتش انجام نمی‌دهد، گفت: به مردم دروغ نمی‌گویم. به‌جای گردش مدیران از شایستگی استفاده خواهیم کرد و از فامیل خود در پست‌های مدیریتی بهره نمی‌گیریم. استفاده از دانشمندان و کارشناسان را سرلوحه کار قرار می‌دهیم تا در دولت اقدام و اصلاح قانون‌مداری و صداقت پیاده شود.

حالا او دقیقاً برعکس عمل کرده و برای تصاحب مقامی که شایستگی علمی و مدیریتی آن را ندارد، دولت را تحت فشار قرار داده و خواستار نادره‌گفتن قوانین برای مدیریت پایتخت است. از طرفی وزیر کشور دولت دوازدهم با همه این فشارها تن به بی‌قانونی نداد تا وزیر جدید در آزمون تصمیم میان قانون و نقض قانون و حمایت از مردم و منافع حزبی و جناحی قرار گیرد.



طبق شنیده‌ها، وزیر کشور دولت روحانی با بیان اینکه حاضر نیستم در هفته آخر وزارت خود کار غیرقانونی کنم، حکم‌علیرضا زاکانی به‌عنوان شهردار تهران را که برای امضای او آماده شده بود، امضا نکرد.

حزب اتحاد ملت نیز چند روز قبل پیشنهاد داده بود اگر مدعیان اصولگرایی بر انتخاب زاکانی اصرار دارند، ابتدا مقررات مصوب هیئت وزیران را تغییر دهند و سپس از نو برای انتخاب زاکانی در شورا رأی‌گیری کنند.

این‌حزب اصلاح‌طلب تأکید کرده است: نقض آشکار و چندجانبه قانون در جریان انتخاب شهردار تهران، نشانه‌ای تأسفکار و هشداردهنده از زیرگذاشتن اصل قانون‌گرایی توسط این جریان است. اگر بنا باشد از حالا چنین انحرافاتی در پیش گرفته شود و با زور و روش‌های اقتدارگراییانه بر آنها اصرار شود، معلوم نیست چه سرنوشت تلخی در انتظار شهر و کشور باشد.

اما به نظر می‌رسد شورا بر انتخاب خود به‌رغم قانون اصرار دارد و منتظر استقرار وزیر کشور جدید است تا او را برای امضای حکم زاکانی مقاعد کند. هنوز مشخص نیست سرداد وحیدی چنین کاری انجام می‌دهد یا آنکه برای قانونی‌شدن این انتخاب، شورای ششم را به تمکین به قانون وادار خواهد کرد. اما اولین سخنان او بعد از حضور در وزارت کشور، به امضای حکم زاکانی تعبیر شده که اگر این‌گونه شود، به اعتقاد بسیاری دولت رئیسی بی‌دلیل دارد اعتبار خود را خرج انتخاب غیرقانونی شهردار تهران می‌کند که در آینده از آن پشیمان خواهد شد.

لازم به توضیح است احمد وحیدی در بدو ورود به وزارت کشور، در جمع خبرنگاران درخصوص امضای حکم شهردار جدید پایتخت افزود: حکم شهردار جدید تهران در چارچوب قانون امضا خواهد شد و آن‌شالاهه بله‌زودی این اتفاق می‌افتد.

رئیس‌ی که با شعار مردم‌داری، قانون‌گرای و عدالت برای همه روی کار آمده و خود را به دور از منافع سیاسی و جناحی برای ملت ایران تعریف کرده، چگونه می‌تواند برای تشکر از نامزدی که به نقض این میدان انتخابات را ترک کرده، این چنین در برابر بی‌قانونی سکوت و آن را تأیید کند؟!

رئیس‌ی در اولین جلسه هیئت دولت تأکید کرد با شناسایی بسترهای تولید رانت و فساد و حذف بسترهای فسادزا و اصلاح آن، شاهد تغییر در مدیریت کشور باشیم. اما اولین تصمیم دولت نادره‌گفتن قوانین و تصمیم برای دادن پست و مقام به نزدیکان است. این تصمیم‌بندی قدرت میان اصولگرایان بیش از آنکه بر اساس توانایی باشد، بر پایه روابط و سهم‌خواهی شکل گرفته است.

انتخاب شهرداری که شرایط خاص انتخاب‌شدن را نداشته، یک تصمیم عادی در دولت مدعی قانون‌گرایی نیست و حداقل برای ظاهرسازی، اول قانون را متناسب با نیروهای اصولگرایی تغییر بدهند، بعد انتخاب‌ها انجام شود.